

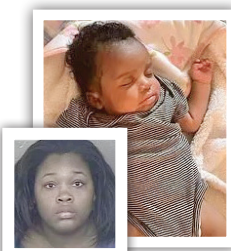


نوجوان ۱۶ساله فرشته نجات شد

اعضای بدن نوجوان ۱۶ساله که دچار مرگ مغزی شده بود به بیماران نیازمند اهدا شد. این پسر نوجوان سلیمان رجایی فرد نام داشت که اهل شهرستان دهدشت کهگیلویه و بویراحمد بود و به‌علت خفگی دچار مرگ مغزی شده بود که با رضایت خانواده‌اش کلیه‌ها و کبد او به بیماران نیازمند اهدا شد.

آن سوی مرز

مادر آمریکایی کودکش را در فر پخت



زن جوان آمریکایی که نوزادش را پس از قرار دادن در فر پخته بود، مجرم شناخته شد. به گزارش همشهری به نقل از ای‌بی‌سی‌نیوز، ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر جمعه گذشته به وقت محلی، مأموران پلیس

کانزاس سیتی از طریق تماس تلفنی در جریان قتل هولناک کودکي در خانه‌ای در محله ما‌نه‌ایم پارک قرار گرفتند.

وقتی مأموران در محل حادثه حاضر شدند، صحنه هولناکی را دیدند. زن ۲۶ساله به نام ماریا توماس، نوزاد یک ماهه خود به نام «زاریا مای» را درون فر گذاشته و با روشن گذاشتن فر، وی را به قتل رسانده بود. ماریا در جریان بازجویی‌ها به پلیس گفت: می‌خواستم کودک‌م را بخواهانم، اما به اشتباه به جای گهواره او را در فر گذاشتم و بعد از این کار از خانه بیرون رفتم. او در ادامه به پلیس گفت: وقتی به خانه بازگشتم، پوی دود را حس کردم، به‌دنبال پوی به آشپزخانه رفتم و کودک‌م را بی‌جان در فر پیدا کردم. یکی از دوستان این زن نیز به پلیس گفت: ماریا مشکلات ذهنی و روانی داشت و هنوز به بلوغ فکری و عقلی نرسیده بود. با انجام تحقیقات مقدماتی ماریا دستگیر و به ایستگاه پلیس برده شد. جین پیترز بیکر، دادستان شهر، روز شنبه اعلام کرد که ماریا به جرم قتل درجه یک، به‌زودی محاکمه خواهد شد. بر اساس قانون ایالت میسوری، ماریا در صورت محکومیت ممکن است با زندان از ۱۰سال تا حبس ابد روبه‌رو شود.

دادسرا

آغاز تحقیقات

درباره مرگ ۴ نفر در پایتخت

به دنبال مرگ مرزومز ۴نفر در پایتخت در ۴حادثه مختلف، تحقیقات درباره علت این مرگ‌ها آغاز شده است. به گزارش همشهری، نخستین حادثه صبح دوشنبه رخ داد. زنی که به‌سارد بود برای به دنیا آوردن فرزندش در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد و هر چند فرزند او سالم به دنیا آمد اما زن جوان ناگهان جان باخت و خانواده‌اش از تیم پزشکی شکایت کردند که تحقیقات در این پرونده به دستور بازپرس جنایی تهران ادامه دارد. دومین حادثه مرگ بار شامگاه یکشنبه رقم خورد. رهگذری هنگام عبور از خیابانی در پایتخت چشمش به پیکر بی‌جان مردی میانسال افتاد. قربانی حدود ۵۳سال سن داشت و چند ساعتی از مرگش می‌گذشت. علت مرگ او اما مشخص نبود و با توجه به مشکوک بودن ماجرا، جسد مرد میانسال برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. سومین حادثه، مرگ غم‌انگیز پسری ۲سال و نیمه بود. این پسر خردسال توسط خانواده‌اش برای انجام عمل ختنه به یکی از کلینیک‌های تهران منتقل شده بود. وی پس از جراحی مرخص شد اما روز بعد دچار خونریزی شده و خانواده‌اش وی را به مطب پزشک بردند. پزشک دارویی تجویز کرد و کودک به همراه پدر و مادرش به خانه منتقل شد اما چند ساعت بعد قلبش از تپش ایستاد و جان باخت و حالا تحقیقات درباره علت مرگ او آغاز شده است. اما چهارمین حادثه مرگ مرد جوانی معروف به ششل بود. این مرد به‌دلیل اینکه خوب نمی‌توانست راه برود در بین افراد کار تن‌خواب و دوستانش به مهدی شل معروف شده بود. وی در فضای سبزی حوالی فرحزاد، آلونکی درست کرده و در آنجا زندگی می‌کرد و کارش جمع‌آوری و فروش ضایعات بود که پیکر بی‌جانش در فضای سبز پیدا شد و احتمال می‌رود که وی به قتل رسیده باشد.



پایان باند سارقان خودرو

اعضای باندی که دست به سرقت وانت‌ها در جنوب تهران می‌زدند، دستگیر شدند. به‌گفته سردار علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران، اعضای این باند ۲سارق سابقه‌دار بودند که با پرسه زدن در محله‌های خراسان و صفاری، وانت‌های بدون تجهیزات ایمنی را سرقت می‌کردند و به باختران می‌فروختند.

مرور ۷ پرونده جنایی که به فیلم‌های سینمایی برطرف‌دار تبدیل شدند

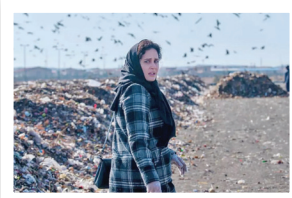
جنایت‌های واقعی روی پرده نقره‌ای

گزارش

روزنامه‌نگار

«این فیلم براساس یک پرونده واقعی است»: عبارتی که در تیتراژ بعضی فیلم‌ها و سریال‌ها دیده می‌شود و واقعی بودن ماجرایِ را که در فیلم می‌بینیم نشان می‌دهد. تاکنون فیلم‌های زیادی براساس مهم‌ترین پرونده‌های جنایی کشور ساخته شده است که تازه‌ترین آنها فیلم بی‌بدن است که به تازگی در جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد. به این بهانه به مرور ۷فیلم سینمایی که برگرفته از پرونده‌های جنایی است پرداخته‌ایم.

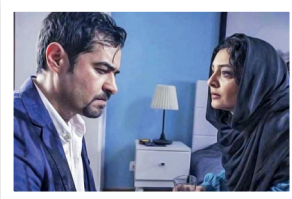
از آرمان و غزاله تا «بی‌بدن»



فیلم بی‌بدن که در جشنواره فجر امسال مورد توجه قرار گرفته به پرونده قتل دختری می‌پردازد که به‌دست پسر موردعلاقاش به قتل رسیده است. در جریان تحقیقات پلیسی هیچ وقت پیکر مقتول کشف نمی‌شود و در نهایت پسر جوان قصاص می‌شود. هر چند کارگردان این فیلم مدعی است که ساخته‌اش ارتباطی با پرونده‌های جنایی واقعی ندارد اما تماشا می‌بین‌د ذهن تماشاچیان را به‌سوی یک پرونده واقعی می‌کشاند: «آرمان و غزاله». اما ماجرای این پرونده از کجا شروع شد؟

غزاله شکور، دختری ۹ساله بود که روز ۱۲ اسفند سال ۱۳۹۲ به‌دست آرمان، پسری که به وی علاقه‌مند بود به قتل رسید. تا مدت‌ها بعد از ناپدید شدن غزاله هیچ‌کس از سرنوشته او اطلاعی نداشت تا اینکه در ادامه معلوم شد که آرمان در خانه‌شان دختر مورد علاقه‌اش را با ضربات میله بارفیکس به قتل رسانده و جسدش را به مکان نامعلومی منتقل کرده است. در این شرایط بود که او در دادگاه محاکمه و به قصاص محکوم شد. اجرای حکم آرمان چند مرتبه در دقیقه ۹۰ لغو شد و اولیای دم به او مهلت دادند تا ناگفته‌هایش را درباره پیکر غزاله بازگو کند اما او مدعی بود که پیکر او را در سطل زباله انداخته و از سرنوشتهش اطلاعی ندارد. سرانجام آرمان روز سوم اردماه سال ۴۰۰ از زندان رجایی شهر در حالی قصاص شد که جسد غزاله هرگز پیدا نشد.

«هزار تو» می‌سر نوشت محمدمبین



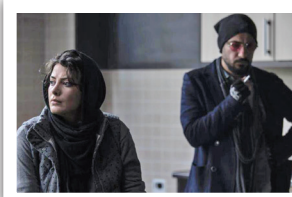
فیلم جنایی دیگری که براساس واقعیت ساخته شده «هزار تو» است؛ فیلمی که به ماجرای

تجاوز در «علفزار»



«علفزار»، راوی تجاوز گروهی چند نفر در باغی به چند زن است. این فیلم نشان می‌دهد که بازپرس قصد رسیدگی عادلانه به ماجرا را دارد اما شهردار که اعضای خانواده‌اش در این ماجرا مورد تجاوز قرار گرفته‌اند از ترس از دست دادن موقعیت خود اعضای خانواده‌اش را مجبور به رضایت‌دادن می‌کند. در این بین اما فقط عروس خانواده پیگیر شکایات خود و مجازات متجاوزان است. علفزار یادآور پرونده واقعی تجاوز گروهی به چند زن در باغی در حوالی خمینی‌شهر اصفهان است. حادثه‌ای که در سال ۹۰ اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که چند شور بازور و تهدید وارد مراسمی است. در این شرایط بود که او در دادگاه محاکمه و به قصاص محکوم شد. اجرای حکم آرمان چند مرتبه در دقیقه ۹۰ لغو شد و اولیای دم به او مهلت دادند تا ناگفته‌هایش را درباره پیکر غزاله بازگو کند اما او مدعی بود که پیکر او را در سطل زباله انداخته و از سرنوشتهش اطلاعی ندارد. سرانجام آرمان روز سوم اردماه سال ۴۰۰ از زندان رجایی شهر در حالی قصاص شد که جسد غزاله هرگز پیدا نشد.

از شهلا تا «خشم و هیاهو»



فیلم «خشم و هیاهو» ماجرای زندگی خانواده‌ای مشهور و حاشیه‌های زندگی‌اش را روایت می‌کند. ماجرای ازدواج موقت او با یکی از هوادارانش که در نهایت به قتل همسر او به‌دست همسر صیغه‌ای‌اش منجر می‌شود.

سعید حنایی در «عنکبوت»



سال ۹۸ فیلمی به نام «عنکبوت» با ژانر جنایی ساخته شد که به‌طور مستقیم به روایت قتل‌های زنجیره‌ای در مشهد می‌پرداخت. نام این فیلم برگرفته از زندگی سعید حنایی، قاتل سریالی زنان مشهدی بوده که آن زمان به قاتل عنکبوتی مشهور شده بود. اما سعید حنایی چه‌کسی بود و چطور ۱۶ زن را به قتل رساند؟ سعید کارگر ساختمان و مرد شکاکی بود. او بعد از اینکه فهمید یک ارائه‌دهنده مسافرش همسرش را ربوده و قصد آزارش را داشته تلاش کرد تا از زنان خیابانی انتقام بگیرد. سعید با پرسه زدن در خیابان‌هایی که باقوت زسان خیابانی بود آنها را با وعده پول سوار بر موتورسیکلتش کرده و به خانه می‌برد و به قتل می‌رساند. او در مدت یک سال ۱۶ زن را به همین شیوه به قتل رساند و جسد‌های‌شان را در خیابان‌رها کرد اما در آخرین مورد گرفتار شد. درحالی‌که سعید قصد کشتن آخرین طعمه‌اش را داشت او در برابرش مقاومت کرد و توانست از خانه سعید فرار کند. این زن در ادامه مشخصات قاتل سرآلایی را در اختیار پلیس قرار داد تا اینکه سرانجام او دستگیر و قصاص شد.

اسیدپاشی در «لاتوری»



یکی دیگر از فیلم‌هایی که به‌نظر می‌رسد براساس پرونده‌ای واقعی ساخته شده «لاتوری» است؛ فیلمی که روایت‌کننده عشق پسری تبهکار به دختری جوان است. او تلاش می‌کند به سر قبعتی که شده دختر مورد علاقه‌اش را به دست آورد، اما وقتی از او جواب منفی می‌شنوند تصمیم به انتقام می‌گیرد. او برای این کار دست به اسیدپاشی می‌زند و زیبایی و بینایی دختر مورد علاقه‌اش را می‌گیرد. با اینکه سازنده این فیلم مدعی است که فیلمش ارتباطی به هیچ‌یک از پرونده‌های اسیدپاشی ندارد اما تماشا می‌بیند که برای آمنه بهرامی‌نوا اتفاق افتاده. آمنه فارغ‌التحصیل رشته الکترونیک بود و در یک شرکت مهندسی پزشکی کار می‌کرد. یکی از همکلاسی‌های سابق آمنه به نام مجید که از مدت‌ها قبل به او علاقه‌مند بود و قصد ازدواج با او را داشت وقتی از وی جواب رد شنید، نقشه هولناکی کشید.

روز ۱۲ آبان‌ماه سال ۱۳۸۳ وقتی آمنه از پارکی در حوالی بل سیدخندان می‌گذشت مجید با ظرفی پر از اسید به او نزدیک شد و به روی آمنه اسیدپاشید و درخت، دختر جوان که از درد به‌خودش می‌پیچید به بیمارستان انتقال یافت اما کار از کار گذشته و اسید بینایی دو چشم آمنه را از او گرفته بود.

رسیدگی قضایی به این پرونده برای مدت‌ها ادامه داشت تا اینکه قضات دادگاه کیفری استان تهران در حکمی نادر رأی به قصاص چشم جوان اسیدپاش را دادند. با قطعی شدن این رأی آمنه برای قصاص چشمان مجید به محل اجرای حکم رفت. او تصمیمش را برای اجرای حکم گرفته بود اما در آخرین لحظات از قصاص چشمان مجید منصرف شد و مجید را بخشید.

سرق؛ فقط پنجشنبه‌ها

گفت و گو

سارق قدکو تا به اندام ظریف، خونسردانه جزئیات سرسرت‌هایش را شرح می‌دهد و می‌گوید همه دزدی‌ها را به تنهایی انجام داده است. هم ظاهرش عجیب است، هم رفتارهایش و هم گفته‌هایش. او فقط پنجشنبه‌ها سرقت می‌کرد و گاهی چند ساعت در خانه‌ها می‌ماند و غذا هم می‌پخت. گفت‌وگو با او را ادامه می‌خوانید.

انگیزه‌ات از ارتکاب سرسرت‌های سریالی چه بود؟

می‌خواستم پولدار شوم مثل خیلی از هم‌سن و سال‌های خودم که در رفاه کامل زندگی می‌کنند. از کارگری و زندگی در شرایط سخت و بی‌پولی، خسته شدم. دوست داشتم خانه لوکسی اجاره و در آنجا زندگی کنم.

چرا سرقت از خانه‌ها را انتخاب کردی؟

من کارگر ساختمان هستم. وقتی در ساختمان‌های نیمه‌کاره کار می‌کردم، همه همکارانم می‌گفتند که تو خیلی ریزه‌هستی و به راحتی می‌توانی از داربست‌ها بالا بروی. به من می‌گفتند عمو ریزه‌گفته‌ها همکاران مرا ترغیب کرد به سرقت. بار اول خیلی سخت بود و ترسیده بودم اما کم‌کم حرف‌های شدم.

یا چه شگردی وارد خانه‌ها می‌شدی؟

شگردهای مختلفی داشتم. گاهی از روی داربست‌ها می‌پریدم و چون لاغر و ظریف بودم به راحتی از همه‌جا رد می‌شدم و خودم را به بالکن می‌رساندم. سپس در بالکن را تخریب یا شیشه را شکسته و وارد می‌شدم. شگرد بعدی‌ام این بود که وقتی در پارکینگ‌ها باز می‌شد، به راحتی وارد ساختمان شده و در فرصت مناسب سرقت را انجام می‌دادم.

چطور متوجه می‌شدی صاحب خانه‌ها در منزل نیستند؟

چون کارگر ساختمانی آن محل بودم، معمولاً با نگهبان ساختمان‌ها طرح دوستی می‌ریختم و آمار ساکنان را به‌دست می‌آوردم؛ مثلاً می‌دانستم فلان خانواده، آخر هفته‌ها به ویلا شخصی خود می‌رود و تا ۴۸ ساعت بعد به خانه بر نمی‌گردد. به همین دلیل با خیال راحت وارد خانه‌ها می‌شدم و حتی چند ساعتی در آنجا می‌ماندم.

نمی‌ترسیدی صاحب‌خانه برگردد و مجت را بگیرد؟

هیچ وقت این اتفاق نیفتاد مگر در آخرین سرقت که مالباحته رسید.

شب را هم در خانه مالباحته‌ها می‌خوابیدی؟

گاهی می‌خوابیدم. من فقط پنجشنبه‌ها می‌رفتم سرقت. چون می‌دانستم صاحب‌خانه در تهران نیست با خیال راحت در خانه‌ها می‌ماندم. برای چند ساعت خودم را خوشبخت احساس می‌کردم. کسی که پولدار است، خانه لوکس دارد و حسرتی در دلش نمی‌ماند؛ مثلاً فریزر را باز می‌کردم یا بر داشتیم گوشت، میگو و ماهی برای خودم غذای لاکچری درست می‌کردم و حتی به تماشا فیلم هم می‌نشستم سپس اموال قیمتی را داخل کیف کوله‌ام قرار می‌دادم و خانه را ترک می‌کردم.

چند خانه را با این شیوه و شگرد‌ها خالی کردی؟

بیش از ۲۰خانه را خالی کردم.

با اموال سرقتی چه کردی؟

بخشی از پول را فرستادم برای مادرم. او مریض است و نیاز به جراحی دارد. پول جراحی را برایش فرستادم. بقیه هم در حساسیم است و می‌خواستم خانه خوبی در تهران اجاره کنم اما دستگیر شدم و حالا که گیر افتادم به‌شدت بشیمانم.

شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ — شماره ۹۰۲۶۵



داخلی

۲بار قصاص

مجازات باغبان سابق مهرجویی



با گذشت ۲۵روز از محاکمه قاتلان داریوش مهرجویی و همسرش، رأی متهمان این پرونده صادر شد. براساس حکم صادر شده از سوی قضات دادگاه کیفری یک استان البرز، باغبان سابق مهرجویی به نام کریم که عامل اصلی قتل کارگردان معروف کشورمان و همسرش بود به ۲بار قصاص و ۳متمم همدست او به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند. به گزارش همشهری، اواخر مهرماه امسال و همزمان با حادثه هولناکی که در یکی از ویلاهای شهرک زیبادشت کرج رخ داد، شوک بزرگی به جامعه هنری کشور وارد شد. در این حادثه، داریوش مهرجویی و همسرش به طرز بی‌رحمانه‌ای با ضربات چاقو به قتل رسیدند و از همان زمان تحقیقات پلیس برای شناسایی و دستگیری عاملان جنایت آغاز شد. این تحقیقات پس از چند روز به شناسایی و دستگیری ۴نفر که شب حادثه در ویلا مهرجویی حضور داشتند منتهی شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که عامل اصلی جنایت، جوانی به‌نام کریم، باغبان سابق مهرجویی بوده که با همدستی برادرش و ۲نفر دیگر دست به این جنایت زدند. کریم مدعی بود به‌خاطر کینه و طلبی که از مهرجویی داشته نقشه قتل آنها را عملی کرده است.

اعترافات متهمان و همچنین بازسازی صحنه جنایت از یک سو و گزارش پزشکی قانونی درباره ضربات کشنده‌ای که به مهرجویی و همسرش وارد شده بود از سوی دیگر، از این حکایت داشت که عامل اصلی هر دو قتل یک نفر است. انطور که تحقیقات نشان می‌داد، در شب حادثه کریم به همراه همدستانش به نام‌های داود، میرویس و اسکندر از بالای دیوار به حیاط خانه مهرجویی پریده و از در پشتی آشپزخانه وارد خانه شده بودند. کریم و میرویس سراغ مهرجویی که سرگرم تماشا تلویزیون بود رفته و داود و اسکندر نیز به‌دنبال وحیده محمدی‌فر (همسر مهرجویی) که به داخل اتاق فرار کرده بود، رفتند. کریم پس از آنکه ضربات کشنده‌ای را با چاقو بر پیکر مهرجویی وارد کرده، به سراغ همسرش رفته و او را نیز به قتل رسانده بود.

با این اطلاعات بود که پرونده پس از تکمیل تحقیقات در دادسرا با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان البرز فرستاده شد. براساس کیفرخواست، کریم متهم به «مباشرت در قتل عمدی مهرجویی و همسرش»، «مشارکت در سرقت تعزیری»، «ورود به منزل دیگری» و «تهدید بسا چاقو» بود و همدستانش نیز اتهاماتی چون «شروع به قتل عمدی مرحوم مهرجویی»، «مباشرت در ایراد ضرب و جرح عمدی»، «مشارکت در سرقت تعزیری» و... داشتند.

به این ترتیب جلسه‌ای محاکمه متهمان در روزهای ۲۷ و ۲۸دی‌ماه در دادگاه کیفری استان البرز برگزار شد و هر چند کریم در جریان محاکمه همه اتهاماتش را انکار کرد و مدعی شد که آن شب اصلاً در ویلا مهرجویی حضور نداشته است، اما سایر متهمان ماجرای آن شب را توضیح داده و گفتند که چطور کریم با ضربات چاقو کارگردان معروف و همسرش را به قتل رساند. در نهایت نیز با گذشت ۲۵روز از پایان محاکمه متهمان، حکم صادره از سوی دادگاه اعلام شد و بنا به گفته حسین فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز، متهم ردیف اول به اتهام قتل عمدی مرحوم مهرجویی و مرحومه محمدی‌فر و براساس مطالبه قصاص از سوی اولیای او به «قصاص نفس» و در مورد سایر جرائم ارتکابی نیز به ۲۰ سال حبس، شلاق و دیه محکوم شد. متهمان ردیف دوم و سوم نیز مجموعاً هر یک به ۱۳سال حبس، شلاق و دیه محکوم شدند و متهم ردیف چهارم مجموعاً به ۸سال حبس تعزیری محکوم شده است.

به گفته رئیس کل دادگستری استان البرز آرای صادر شده قطعی نیست و در صورت فرجام‌خواهی، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد و در صورت تأیید رأی و قطعیت آن، اجرا خواهد شد.

کارگردان قلابی از دختران

سوءاستفاده می‌کرد

مردی که با معرفی خود به‌عنوان کارگردان سینما، به بهانه تست بازیگری از دختران سوءاستفاده می‌کرد، دستگیر شد. به‌گزارش همشهری، اسرار این کارگردان قلابی زمانی فاش شد که تعدادی از قربانیانش با مراجعه به پلیس فتای پایتخت از او شکایت کردند. شش‌تایی می‌گفتند که از طریق فضای مجازی و دیدن آگهی تست بازیگری با مردی آشنا شده‌اند که خود را کارگردان مطرح سینما معرفی کرده بود. این مرد به بهانه انجام تست بازیگری طعمه‌هایش را به دفترش در یکی از مناطق تهران کشانده اما در آنجا آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده و با تهیه فیلم و عکس، تهدیدشان کرد که بود که در صورت شکایت، فیلم و عکس‌ها منتشر می‌کند.

درحالی‌که شش‌تایی مدعی بودند این اقدام کارگردان قلابی زندگی شخصی آنها را مختل کرده و آسیب زیادی به آنها رسانده است، تیمی از مأموران پلیس فتا با دریافت دستور قضایی تحقیقات برای شناسایی و دستگیری کارگردان قلابی را آغاز کردند. به گفته سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران، متهم برای گمراه کردن پلیس به‌صورت روزانه هویت و محل دفتر کار خود را تغییر می‌داد اما در نهایت در بررسی‌های تخصصی، هویت وی شناسایی و او در یکی از مناطق شمالی تهران دستگیر شد. وی افزود: متهم پس از انتقال به اداره پلیس به سوءاستفاده از خانم‌ها به بهانه تست بازیگری اعتراف کرد و پرونده او در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.